

به نام خداوند پیشی و ماه



مجله‌ای برای ۸ تا ۱۴ ساله‌ها، شماره‌ی ۱۶،
دی ۱۴۰۳، ۱۹۰ هزار تومان

دُم‌دبیر:
قوٹی کنسرویان

نویسندگان و مترجمان:
قوٹی کنسرویان

فاطمه اسدیگی، حلما اسدی، تام آدامز، محمدباقر باباجانی، مرتضی باغخانی، علی بخشی، پندار بهمنی، مهدی تجلابی، هدا توکلی، فائزه جعفری، جیران جلالی، شهلا جوشقانی، لیلا جوشقانی، ایلا حبیبی، آیدا حق‌نژاد، مریم رضائی، پانید زاده‌گل، فاطمه سرمشقی، زهرا شاهی، درن شورت، صحرا علومی، حسین فدایی‌حسین، معین فرخی، حدیث لزرغلامی، سلین معینی، جاستین مک‌کوری مارتین، ندا منعم، نوا منوری، اعظم مهدوی، جسیکا یانگ

و

آرکی، تنبل قهرمان، فلا بال آتیشی و نانا

صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول: علی‌عسگری
سر‌دبیر: سیدنوید سیدعلی‌اکبر
دستیار سر‌دبیر و مدیر داخلی: لیلا جوشقانی
مدیر هنری: علی بخشی
ویراستار: الهام رضوی

تصویر روی جلد:
زهرا اسدی
و زهره اسدی

تصویرگران:

زهرا اسدی، زهره اسدی، جیمز بارکس، سارا ترکی، سپیده حسن‌زاده، فاطمه زمانه‌رو، فریناز سلیمانی، سارا صابری، ویدا کریمی، ثریا مختاری، سارا والیش، انسیه هادی

طراح کاراکترهای مجله: فریناز سلیمانی

اسفند ۱۴۰۳
منتظر شماره‌ی
بعدی مجله‌ی هوپا
باشید.

■ هرگونه استفاده از متن یا تصویر مجله، فقط برای نقد و معرفی و در قالب بخش‌هایی از آن مجاز است.

■ برای ارتباط با مجله، فقط با شماره‌تلفن ثابت تماس بگیرید.

■ داستان‌ها و دیگر نوشته‌های خود را از طریق تلگرام یا ایمیل برای ما ارسال کنید.

مجله‌ی هوپا در
انتخاب، ویرایش و
تصویرسازی مطالب
ارسالی آزاد است.

نشانی: تهران، میدان فاطمی، ابتدای خیابان بیستون،

کوچه‌ی دوم الف، پلاک ۹، طبقه‌ی چهار، نشر هوپا

کدپستی: ۱۴۳۱۶۵۳۷۸۵

تلفن: ۰۲۱-۸۸۹۶۴۶۱۵ - داخلی ۵۰۳

ایمیل: mag@hoopa.ir

تلگرام (برای ارسال آثار و ارتباط): ۰۹۰۱۰۱۱۶۷۶۸

تلگرام (برای اشتراک): ۰۹۳۷۰۹۳۴۴۳۹

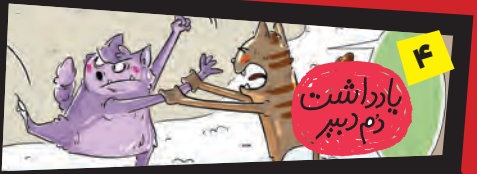
کانال تلگرام: hoopamag

سایت: mag.hoopa.ir

اینستاگرام مجله: hoopamag

اینستاگرام هوپا: hoopa_publication

مدیر چاپ: سینا برازوان
لیتوگرافی، چاپ:
نوید نواندیش



۴

یارداشت
دم زبیر



۲۰

نویسندگان
قرآنی

کارآگاه بیل و دستیارش فیل
مجرمان روباتیک
واقل و همکلاسی جدیدش گیلان



۱۱

دنیای
قلاب قلاب

جادوگران قطبی



۸

پنجول
بند

سرزمین شگفت‌انگیز زمستانی



۳۱

نمایش
خانه

علاءالدین و پری شیشه‌ترشی جادو



۳۲

کتاب
خانه‌ی نارنا

انتقام از قورباغه‌خورها



۳۰

ده نوشت
های گریه‌های
خوابانی

یک قلب کج
نوج‌نوج



۵۳

کتاب
استرپ

گرگینه کجاست؟



۵۰

فیلسوف
کوچک

سنباده‌های سیم‌چین



۴۴

گاز به
گاو با شتر
معاصر

تیل زیباست

پاکت نامه‌های جغد سپیدی

۶۸



از کاپیتان سپهر به زیردریایی

سنگی‌های یک شاعر درونگرا

۶۵



۶۲

خبرچین خیال‌بانی

غول برفی یا اسب کچل

شنبلیله قهرمان

۷۷



اسکی با گوزن‌های سریع‌السير

بچه شاخ‌خا

۷۴



رد جرارد

Words of the World



۷۱

ترفند زمستونی

۹۱

وحشی‌خانه



آرایش پنگوئن

ماه‌پور و پشه

۸۸



ضدیخ برای قورباغه‌ها

پیرلاکرم

۸۲



جنگل‌خوس

میزگردی صندلی‌های مربع

۹۶



زمستان شلوارچین سورمه‌ای می‌پوشد

رفقا، کیوار گرها رو با گوشه تون
اسکن کنید و نظر تون رو در باره ی
متن و تصویر های میله بگین.
من عوارپنگولی نشستم در ۳
می فونم شون.

پارداشت
زم ریبیر

تصویر گر: فریناز سلیمانی



کارت دُم‌دبیری

نام: قوطی نام خانوادگی: کنسرو بیان

نام مستعار: در بازکن

وزن: ۹ کیلوگرم ۳

قد: ۳۰ سانتی متر

توانایی اصلی: پنجه‌ها کشیدن روی صورت

کارمندان دیگر

غذای مورد علاقه: موش برگر با سس

پنیر فامه ای



نمی‌تونن دمای بدنشون رو کنترل کنن و بی هیچ میامیویی شروع می‌کنن لرزیدن، درست مثل یه موش آب‌کشیده که توی پنجه‌های یه گربه گیر افتاده باشه. بعد ماهیچه‌هاشون بی‌حس و بی‌حس می‌شه و یواش‌یواش ضربان قلبشون می‌آد پایین و دچار سرمازدگی می‌شن، و اون وقته که باید میومیو بخونن: «ضربان قلب من کند می‌زنه...!»

ولی خُب غمتون نباشه. کلی کار از پنجه‌های آدم‌ها برمی‌آد برامون. من با همین موضوع یه مقاله‌ی علمی نوشته‌ام که دستورات عملی برای رفتار آدم‌ها با گربه‌هاست. این مقاله‌ی خفنم در سایت «میونیوز» چاپ شده. برای شما هم می‌ذارم که بخونید:

میوووووو... سرده!!! من رو ببرین یه جای گرمالو و نرمالو، کنار یه موش چاقالو!
این فلا خانوم بال‌آتیشی، آداب گربه‌داریش ضعیفه. فکر کرده منم مثل خودش به متر از زمین فاصله دارم، یا می‌تونم بال بزنم و کوچ کنم جاهای گرم دفتر مجله! نه‌خیر فلا جون! درسته ما کف خیابون و توی سطل آشغال بزرگ شدیم و هفت تا جون داریم، ولی اهل سوزوسرمای زمستون نیستیم آجی!

واقعاً فکر کردین ما گربه‌خیابونی‌ها تو زمستون و یخ‌بندون چیزی مومن نمی‌شه؟ یا فکر کردین چون پشمالویم، نباید تو سرما به این راحتی‌ها میومون دربیاد؟ یا چون کفترچاقالوئه پشت پنجره نشسته، دوست داریم پنجره باز باشه؟ خب اشتباه کردین! میوووووووووووووووووووو! شومینه رو آتیش کنین تا براتون از آداب گربه‌داری و گربه‌دوستی تو زمستون بگم.

یه بیماری غم‌انگیز بین گربه‌خیابونی‌ها هست به اسم **هیپوترمی** که حتی گربه‌های قلدرملدر هم اسم این بیماری که می‌آد دُم‌هاشون رو غلاف می‌کنن! پیشی‌ها اگه زیادی توی سرمای شدید بمونن، دیگه

پیش‌ش‌ش‌ش در آمد

توجه

این مقاله رو خانم نانا یه جورى ویرایش کرده که برای چاپ توی مجله‌ی آدم‌ها مناسب باشه! به قول ما گربه‌ها، آدم فهمش کرده.

~~هر نیم ساعت به گربه‌های دوروبرتان همبرگر با پنیر جدار یا گودا بدهید. خیارشور نداشته باشد لطفاً!~~

گربه‌ها شکارچی‌های خوبی‌اند و معمولاً خودشان می‌توانند غذای خودشان را شکار کنند، ولی در زمستان گربه‌های خیابانی باید هر شش ساعت غذا بخورند تا بتوانند دمای بدنشان را حفظ کنند. خوب می‌شود آگه در یک جای کم‌رفت و آمد کمی غذای خشک برایشان بگذارید.



~~پیاده‌روی در زمستان برای آدم‌ها خیلی خوب است، پس در زمستان ماشینتان را روشن نکنید. گربه‌ها دوست دارند بروند در سوراخ‌سنبه‌های ماشین بخوابند. مزاحم نشوید.~~

قبل از روشن کردن ماشینتان، چند ضربه به کاپوت و لاستیک‌های خودروی خود بزنید تا اگر گربه‌ای آن‌جا خوابش برده، بیرون بیاید؛ مخصوصاً اگر کمتر از نیم ساعت پیش ماشین سواری کرده‌اید و دوباره می‌خواهید سوارش شوید. یادتان باشد در زمستان سر تصاحب موتور گرم ماشین شما بین گربه‌های محل دعواست!



~~چطور بلدی فرت فرت آبارتمان بسازید؟ خب دو تا خانه هم برای ما گربه‌ها درست کنید!~~

یک جعبه پر از پیشی بهترین دکور زمستانی برای حیاط یا بالکن شماست! می‌توانید با استفاده از جعبه‌ی فومی یا یونولیتی که خیس نمی‌شود، یک پناهگاه کوچک برای پیشی‌هایی که خیلی سردشان شده بسازید.



~~ماگربه‌ها بستنی یخی دوست نداریم. آب لازم داریم! آب!~~

وقتی هوا کمتر از صفر درجه می‌شود و آب‌ها یخ می‌زنند، پیدا کردن آب برای گربه‌ها و پرندگان شهر سخت می‌شود. توی جعبه‌های یونولیتی برایشان یک ظرف آب بگذارید و هر چند وقت یک بار به آن سر بزنید و اگر یخ زده، عوضش کنید.



~~ضدیخ لعنتی خیلی خوش مزه است! اصلاً یادم رفت نکته‌اش چی بود!!!~~

به بزرگ‌ترها یادآوری کنید که اگر در زمستان از ضدیخ برای ماشینشان استفاده می‌کنند، حواسشان باشد روی زمین نریزد. یا اگر ریخت، پاک کنند. ضدیخ ماده‌ای شیرین اما سمی است. گربه‌ها ممکن است آن را بلیسند و مسموم شوند، و اگر به کلینیک منتقل نشوند، جانشان را از دست می‌دهند!



~~اگر همکار گربه دارید، این قدر زور نگوئید که کارهایش را به موقع انجام دهد. بگذارید بخوابد و بیدارش نکنید، حتی برای تلفن‌های مهم! پس برای چی دستیار فلامینگو گرفتیم؟~~

گربه‌ها برای تنظیم دمای بدن خود به انرژی بیشتری نیاز دارند. اگر در خانه گربه دارید و می‌بینید که بیشتر از همیشه می‌خوابد، نگران نشوید و حتی برای ناز کردن بیدارش نکنید. او به این خواب نیاز دارد؛ به نیاز او احترام بگذارید.



~~اگر یک گربه دیدید که دچار هیپوترمی شده بود، خیلی ناراحت شوید، چیغ و گریه راه بیندازید و شهر را به هم بریزید. اول زنگ بزنید به اورژانس و آتش‌نشانی و پلیس و خبرنگارهای کل کشور، بعد برای جبران کم‌کاری‌هایتان، برای همه‌ی گربه‌های شهر کنسرو ماهی تن بخرید.~~

اگر یک گربه‌ی سرمازده پیدا کردید که نمی‌توانست تکان بخورد، دست‌وپای او را ماساژ ندهید، فقط یک حوله‌ی گرم یا پارچه‌ی ضخیم دورش ببیچید و با احتیاط او را به کلینیک حیوانات ببرید.



پنجول بند

ترانه و موسیقی



نویسنده و مترجم: نیا معلم
ترانه‌سرا و خواننده: نورا جونز

سرزمین شگفت‌انگیز زمستانی



می‌خوند و هم‌زمان در کلاس‌های آواز و پیانو هم شرکت می‌کرد. در دبیرستان هم توی گروه گر آواز می‌خوند و عضو یک گروه موسیقی بود و ساکسیفون می‌نواخت. نورا توی دانشگاه در رشته‌ی پیانو تحصیل کرد. از سال ۲۰۰۳ تا الان ۹ تا جایزه‌ی گرمی برده و ۹ تا آلبوم موسیقی ضبط و پخش کرده و «خواب کریسمس می‌بینم» هشتمین آلبومشه. اون همچنین در فیلم‌های مختلفی به‌عنوان بازیگر نقش‌آفرینی کرده. نورا الان ۴۵ ساله است و یه پسر ۱۰ ساله و یه دختر ۸ ساله داره.

«سرزمین شگفت‌انگیز زمستانی»^۱ عنوان آهنگیه که «نورا جونز»^۲ در سال ۲۰۲۱ میلادی ضبط و پخش کرد. این اثر، یکی از آهنگ‌های آلبوم «خواب کریسمس می‌بینم»^۳ بود؛ تنها آلبومی که نورا جونز به مناسبت جشن کریسمس خلق کرده.

این آهنگ، اولین بار حدود نود سال پیش در سال ۱۹۳۴ میلادی در آمریکا پخش شد و بعد از اون بیش از ۲۰۰ هنرمند مختلف به سبک خودشون این آهنگ رو بازخوانی کردند.

نورا جونز خواننده، نوازنده‌ی پیانو و گیتار، و ترانه‌سرای آمریکاییه. وقتی بچه بود، در کلیسا آواز



صدای زنگ سورت‌مه‌ها می‌آد... می‌شنوی؟
برف توی خیابون برق می‌زنه
تصویر زیباییه، ما امشب خوش‌حالیم
و توی سرزمین شگفت‌انگیز زمستونی قدم می‌زنیم

پرنده‌های تابستونی کوچ می‌کنن^۴
پرنده‌های جدید جاشون رو می‌گیرن
آهنگ‌های عاشقانه می‌خونن و ما پایه‌پای هم پیش می‌ریم
و توی سرزمین شگفت‌انگیز زمستونی قدم می‌زنیم

می‌تونیم توی دشت یه آدم‌برفی بسازیم
و وانمود کنیم یه بابانوئل دلکچه
با بابانوئل دلک کلی بهمون خوش می‌گذره و می‌خندیم
تا این‌که بچه‌های دیگه از راه برسن و خرابش کنن

دست به دست هم می‌دیم
و کنار آتیش رؤیا می‌بافیم
تصمیم می‌گیریم که با ترس‌هامون روبه‌رو بشیم
و توی سرزمین شگفت‌انگیز زمستونی قدم می‌زنیم

Winter Wonderland

Sleigh bells ring, are you listening?
In the lane snow is glistening
A beautiful sight, we're happy tonight
Walking in a winter wonderland
Gone away is a bluebird
Here to stay is the new bird
He sings a love song as we go along
Walking in a winter wonderland
In the meadow we can build a snowman
And pretend that he's a Santa clown
We'll have lots of fun with Mr. Snowman
Until the other kiddies knock him down
Later on, we'll conspire
As we dream by the fire
To face the unafraid the plans that we've made
Walking in a winter wonderland
In the meadow we can build a snowman
And pretend that he's a Santa clown
We'll have lots of fun with Mr. Snowman
Until the other kiddies knock him down, ooh
Later on, we'll conspire
As we dream by the fire
To face the unafraid the plans that we've made
Walking in a winter wonderland
Ooh
Ooh



پی‌نوشت

1. Winter Wonderland
2. Norah Jones
3. I Dream of Christmas

۴. در متن شعر، نام «کبودمرغ» (dribeulb) را می‌شنویم که نوعی پرندۀ است که با آمدن زمستان کوچ می‌کند.





اساطیر و
باورهای کهن

دنیای
قدیم قدیم قدیم

نویسنده: جبران جالبی

جادوگران قطبی

«دیروز خاکستر است؛ فردا چوب. فقط امروز
آتشی است که به زیبایی می درخشد و گرما
می بخشد.»

ضرب المثل اسکیمویی



این سرما به دنیا آمده‌اند و زندگی کرده‌اند، این‌جا حکم
یک دنیا پر از ماجراجویی‌های رنگارنگ را دارد!
اسکیموها مردمان شمالی‌ترین نقطه‌ی کره‌ی زمین
هستند. آن‌ها در مناطقی مثل گرینلند، کانادا، آلاسکا
و سیبری زندگی می‌کنند و با شرایط سخت قطبی
حسابی خو گرفته‌اند. به طوری که تخمین زده شده،
بیشتر از ۱۳۵ هزار نفر از نوادگان اسکیموها هنوز هم
در این مناطق ساکن هستند.

وارثان برف و یخ

تصور کن وسط قطب شمال ایستاده‌ای، آسمان و
خورشید بالای سرت می درخشد و تا چشم کار می‌کند،
همه‌جا پر از برف است. نه درختی، نه جنگلی، نه پارکی،
نه ساختمانی و نه حتی خیابانی. به نظرت زندگی در
این وضعیت سفید، چه شکلی است؟ ساده و دلنشین
است یا خشن و مخوف؟ شاید هم ترکیبی از هر دو؟
اما چیزی که مسلم است، برای «اسکیموهایی» که با

از قرن ۱۶ میلادی، اروپایی‌ها مردم آن‌جا را «اسکیمو» نامیدند.^۱ معناهای متفاوتی هم به این کلمه نسبت داده‌اند؛ از «انسانِ خام‌گوشت‌خوار» گرفته تا «کسی که کفش‌هایش برفی است».

اما اسم حقیقی آن‌ها چیست؟ خب، این بستگی دارد به این‌که از کدام قبیله باشند؛ بعضی‌ها خودشان را «یوپیک»، «اینوپیات» یا «اینوئیت» صدا می‌زنند که همه‌ی این اسم‌ها به معنی «مردم واقعی» هستند.

در قطب چه می‌گذرد؟

زندگی اسکیموها همیشه پر از هیجان است. اگر تو هم عاشق سرما، برف‌بازی و شکاری، بیا با هم یک روز اسکیمویی پر از ماجراجویی را تجربه کنیم!

چی بخوریم؟

غذای اسکیموها بیشتر از نهنگ، فُک، ماهی و گوزن شمالی تشکیل شده. این‌جا خبری از سالاد و سبزیجات نیست، چون تقریباً هیچ گیاهی توی این سرما رشد نمی‌کند و میوه و سبزیجات خیلی کمیاب و گران است.

راستی، اسکیموها گاهی گوشت را به‌صورت خام می‌خورند! بله، دقیقاً خام! اما چرا؟ به‌خاطر این‌که فکر می‌کنند این‌جوری املاح و ویتامین‌هایش دست‌نخورده باقی می‌ماند و در نتیجه مفیدتر است!



قصر یخی من کجاست؟

خانه‌های گنبدی شکل و یخی توی کارتونها یادت هست؟ این خانه‌های یخی «ایگلو» نام دارند و کاملاً هم واقعی‌اند. اما اسکیموها فقط توی ایگلو زندگی نمی‌کنند. برای تابستان، چادرهای چرمی دارند و فقط زمستان را در ایلگوهای یخی‌شان سر می‌کنند. شاید زندگی در خانه‌ی یخی باورنکردنی به نظر برسد، اما چون برف‌های فشرده‌شده عایق گرما هستند، این خانه‌های یخی خیلی هم دلچسب و گرم‌ونرم‌اند!

یک ژاکت پوست خرس

اگرگفتی اسکیموها توی این سرما چه می‌پوشند که یخ نزنند؟ اسکیموها از پوست و خزهای حیواناتی مثل فُک، گوزن و خرس قطبی و کلاً هر حیوان دیگری که شکار می‌کنند، برای درست کردن لباس‌هایشان استفاده می‌کنند.

چاقوهای یخی و قلاب‌های دریایی

این‌جا شرط زنده‌ماندن و بقا شکارکردن است. جالب است بدانید که بعضی از ابزارهای شکار از استخوان نهنگ یا استخوان حیوانات دریایی دیگر درست می‌شوند.

سوار بر باد

برای جابه‌جاشدن در این دنیای برفی، اسکیموها روش‌های خاصی دارند که مهم‌ترینش سورت‌سواری است. این سورت‌ها با چوب و استخوان نهنگ ساخته می‌شوند و سگ‌های قدرتمند آن‌ها را می‌کشند. سگ‌های سورت‌ها از نژادهایی هستند که با زندگی در سرما سازگارند. این سگ‌ها جثه‌ای بزرگ دارند و پرمو هستند و برای حمل و نقل به اسکیموها کمک می‌کنند. از معروف‌ترین نژادهای سگ‌های سورت‌ها می‌توان به «هاسکی»، «سگ اسکیموی کانادایی» و «نژاد چینوک» اشاره کرد. این موجودات، حیوانات باارزشی برای اسکیموها هستند و یک‌جورهایی دوست و همراه آن‌ها هم به حساب می‌آیند. اینوئیت‌ها برای حمل سورت‌ها، باربری و پیدا کردن راه در برف و تاریکی، سگ‌های قطبی را تربیت می‌کنند. این سگ‌های باهوش و قوی در شکار هم با اسکیموها همکاری کنند.

برویم شکار؟

زندگی روزمره‌ی اسکیموها اصلاً کسل‌کننده نیست.

آن‌ها بیشتر وقتشان را صرف شکار و گشت‌وگذار در طبیعت می‌کنند. بعد هم توی خانه باید گوشت‌ها را آماده کنند، لباس بدوزند و به بچه‌ها آموزش بدهند.

وقتی برف‌بازی شوخی ندارد!

بازی‌های اسکیمویی هم جذاب‌اند و هم کمک می‌کند تا شرکت‌کننده‌ها حسابی برای شکار آماده شوند؛ مثل برف‌بازی که باید برایش انرژی بالایی داشته باشند، و یا بازی کشیدن طناب که به قدرت بدنی کمک می‌کند.

درضمن، اسکیموها عاشق قصه‌گویی هم هستند؛ آن‌ها شب‌های طولانی زمستان کنار هم جمع می‌شوند و داستان‌های قدیمی و افسانه‌های شگفت‌انگیزی برای هم تعریف می‌کنند.

حقایق عجیب و غریب

زندگی مردم سرزمین‌های سرد شمال پر از نکات جالب و بامزه است. آخر توی آن هوای سرد و برفی، خیلی چیزها فرق می‌کند. شاید باورتان نشود، ولی آن‌جا حتی احوال‌پرسی و روبوسی هم قوانین خاص خودش را دارد!





سلاحها

شاید جالب باشد بدانید که زن‌ها و مردان اسکیمو اسلحه‌ی مخصوص به خودشان را دارند؛ اسم چاقوی مخصوص زن‌ها «اولو»^۲ است که برای بریدن گوشت یخ‌زده استفاده می‌شود، ولی در مبارزه هم به کار می‌آید؛ مردها هم «کاک‌واک»^۳ دارند، یک نیزه‌ی سه‌پایه که شکار را به راحتی گیر می‌اندازد. این سلاح‌ها بیشتر برای شکارند و تیغه‌های تیز و دندان‌دار و برنده‌ای دارند.

روبوسی اسکیمویی

از آن‌جایی که هوا خیلی سرد است و اسکیموها صورت‌هایشان را می‌پوشاند، برای روبوسی فقط دماغ‌هایشان را به هم می‌چسبانند.

کلمات برفی

بعضی‌ها می‌گویند اسکیموها می‌توانند برف را با ۵۰ تا ۴۰۰ کلمه‌ی مختلف توصیف کنند! مثلاً یک کلمه برای «برف نرم» دارند، یک کلمه برای «برف مناسب سوارتمه‌سواری»، و شاید هم یک کلمه برای «برفی که امروز سنگین‌تر از دیروز باریده»! اما خب، واقعیت این است که ماهیت زبان اسکیمویی بهشان این امکان را می‌دهد که با چسباندن چند کلمه به هم، کلمه‌ی جدید بسازند و یک مفهوم طولانی را فقط با یک کلمه برسانند. در حالی که «برف» برای ما همیشه همان «برف» است و کلمه‌های دیگری برایش نداریم!



لیست بلندبالای هیولاها

حتی اسکیموها که توی دنیایی پر از هیولاها واقعی مثل خرس‌های قطبی و شیرهای دریایی گول‌پیکر زندگی می‌کنند هم برای خودشان افسانه‌های هیولایی دارند! اما چطور می‌شود برای یک بچه اسکیمو داستان‌های خیالی هیجان‌انگیز تعریف کرد؟! (چون حتی بچه‌ها هم می‌دانند پشت هر تپه‌ی یخی ممکن است یک حیوان وحشی گرسنه منتظرشان باشد!) اما با این حال هیولاهایی پیدا می‌شوند که خوب بلندن چطور بچه‌ها را (و حتی آدم بزرگ‌ها را) بترسانند!

قالوپلوک، تصویرسازی
از جوی آنگ

قالوپلوک^۴

این هیولا پوستی سبز و لزج، مویی بلند و ناخن‌هایی کشیده دارد. او زیر آب‌های یخ‌زده پنهان می‌شود و منتظر است تا بچه‌هایی را که بیش از حد به ساحل یا آب‌های یخ‌زده نزدیک می‌شوند، بدزدد و به عمق سرد دریا برود! و خب در دنیایی که افتادن توی آب یخ‌زده یعنی «بای‌بای دنیا»، این هیولا می‌تواند خیلی هم ترسناک باشد.

سدنا^۵ الهی دریا

سدنا شیخ سرگردان آب‌های سرد قطبی است و ماهی‌ها و دیگر موجودات دریایی را کنترل می‌کند. طبق افسانه‌ها، او در ابتدا یک انسان بوده که در دریا غرق شده. حالا سدنا الهای خشمگین و حسابی بداخلاق شده و شکارچیان باید قبل از این‌که به دریا بروند، از او طلب بخشش کنند تا بتوانند در آرامش به کارشان ادامه دهند.

سدنا،
اثر دیوید روبن پیکوکان



کیکرن^۶

در اسطوره‌های اینوئیت، کیکرن یک موجود شبیه به سگ گول‌پیکر و بی‌مو است که موجودات نفرین‌شده در آن ظاهر می‌شوند. می‌گویند هر کسی که با کیکرن روبه‌رو شود، از ترس دیوانه می‌شود.

کیکرن، تصویر از سایت
abookofcreatures.com





تورنیت، اثر اوا وایدرومن

تورنیت^۷

تورنیت‌ها شخصیت‌های پلید و شروری هستند که در دل یخبندان و تاریکی‌های قطب شمال زندگی می‌کنند. آن‌ها اقوام بزرگ‌جثه‌ای‌اند که به‌خاطر کینه‌های باستانی، به‌دنبال انتقام از انسان‌ها هستند. می‌گویند که گاهی شکارچیان گم‌شده را به دام می‌اندازند و به جهان‌های مخوف زیرین می‌برند.

جادوگران قطبی

برای اسکیموها، شمن‌ها افرادی هستند مثل جادوگرهای قصه‌ها. اسکیموها باور دارند شمن‌ها می‌توانند از طریق حرکت‌های عجیب باستانی، آوازا و آیین‌های خاص، سفرهای جادویی داشته باشند. قدرتشان را هم با تنهاماندن، غذا نخوردن و خودداری از خوابیدن، به دست می‌آورند. آن‌ها با این قدرت‌های عجیب به دیگران کمک می‌کنند تا در این سرزمین خطرناک و غیرقابل پیش‌بینی زنده بمانند. در باورهای شمنی، نکات بسیار جذابی پیدا می‌شود که کمتر شناخته شده‌اند:

توزنگرسوک^۸، نگهبان آسمان

«توزنگرسوک» ایزد آسمان، دریا و شکارچی‌هاست. او از شکارچیان خوش‌شانس محافظت می‌کند و به آن‌ها قدرت‌های خاص می‌دهد. ولی خب، ارتباط با این موجود همیشه هم گل‌وبلبل نیست؛ اگر کسی به او بی‌احترامی کند یا از قدرت‌هایش سوءاستفاده کند، ممکن است اوضاع حسابی به هم بریزد.

توزنگرسوک، تصویر از سایت
oldworldgods.com

